

اخبار و گزارش های کارگری 18 اردیبهشت ماه 1404

- از فراخوان دو هفته اعتراض به اعدامها حمایت میکنیم.
- تجلیل از خانم لیدا اسماعیلی و احمد درخشان توسط تعدادی از کنشگران صنفی کارگران و معلمان البرز
- تجمع اعتراضی کارگران شهرداری بهبهان نسبت به عدم پرداخت بموقع حقوق مقابل ساختمان شورای شهر
- اعتراضات کشاورزان استان اردبیل نسبت به عدم پرداخت بدهی وزارت جهاد کشاورزی از بابت تحویل محصول کشاورزی و و عدم تأمین بذر و کود و نهاده های دیگر همزمان با سفر وزیر جهاد کشاورزی با تجمع در مسیرش
- ادامه اعتراضات به قطعی مکرر برق با تجمع جمعی از اهالی زابل مقابل اداره برق
- تجمع اعتراضی مال باختگان شرکت یزد کیش اردکان و میبد مقابل فرمانداری اردکان
- بیانیه جمعی از کارکنان شرکت بهره برداری مترو تهران در محکومیت بازداشت همکاران و تأکید بر استمرار مسیر قانونی مطالبه گری
- بیانیه در اعتراض به بازداشت معلمان در تجمع ۱۱ اردیبهشت و انکار آن توسط سخنگوی دولت
- بیانیه انجمن صنفی معلمان کوردستان در مورد تودیع و معارفه مدیرکل آموزش و پرورش کوردستان
- اصغر امیرزادگان بدون هیچ دلیل قانونی و موجهی در زندان به سر می برد
- احضار مجدد امجد گریاخیز، فعال کارگری و مخالف اعدام، به دادگاه انقلاب سنندج
- کانون نویسندگان ایران: برگی از تاریخ
- ماجرای امنیتی ویت کنگ های کافه نشین و کانون نویسندگان ایران
- جان باختن یک کارگر در معدن سنگ لاشتر زیر سنگ پنج تنی

*از فراخوان دو هفته اعتراض به اعدامها حمایت میکنیم.

فراخوانی به موقع با امضای سه نهاد اعدام نکنید، نهاد دادخواهان و جمعی از خانواده های محکومین به اعدام، علیه اعدام ها داده شده است. این فراخوان همگان را به اعتراضی سراسری از تاریخ سه شنبه ۲۳ اردیبهشت تا سه شنبه ۶ خرداد دعوت میکند.

شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت و شورای سازماندهی اعتراضات کارگران غیررسمی نفت (ارکان ثالث) از این فراخوان و سه شنبه های نه به اعدام حمایت میکنند. همه با هم علیه اعدام به میدان بیاییم. اعلام کنیم که اعدام و کشتن انسانها با هر اتهام و جرمی ممنوع.

به اعدام، این جنایت آشکار علیه بشریت باید پایان داد.

شریفه محمدی، عباس دریس و منوچهر فلاح سه فعال کارگری در خطر اعدام هستند. پخشان عزیزی و وریشه مرادی و شمار بسیاری دیگر خطر اعدام تهدیدشان میکند. این انسانهای معترض و دوست داشتنی باید فوراً آزاد شوند. باید مجازات شنیع اعدام متوقف و همه احکام اعدام لغو شود!

#نه_به_اعدام

#سه_شنبه_های_نه_به_اعدام

#اعدام_قتل_عمد_حکومتی

شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت

شورای سازماندهی اعتراضات کارگران غیررسمی نفت (ارکان ثالث)

۱۸ اردیبهشت ۱۴۰۴

***تجلیل از خانم لیدا اسماعیلی و احمد درخشان توسط تعدادی از کنشگران صنفی کارگران و معلمان البرز**

همزمان با فرا رسیدن اول ماه مه #روز_جهانی_کارگر، و ۱۲ اردیبهشت "روز ملی معلم" مراسمی در نکوداشت دو تن از کنشگران صنفی معلمان البرز سرکار خانم #لیدا_اسماعیلی و آقای #احمد_درخشان برگزار شد.

لیدا اسماعیلی و احمد درخشان به دلیل دفاع از حقوق دانش‌آموزان و خواسته‌های صنفی هرکدام به‌ترتیب به ۴ ماه انفصال و دو ماه انفصال از خدمت محکوم شده‌اند. به پاس تلاش‌های ارزنده‌ی این دو کنشگر صنفی معلمان، تعدادی از فعالان کارگری و فرهنگی استان البرز، آیین تقدیر از این دو معلم شریف را برگزار و هدایایی به آنان تقدیم کردند.

شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان ایران

***تجمع اعتراضی کارگران شهرداری بهبهان نسبت به عدم پرداخت بموقع حقوق مقابل ساختمان شورای شهر**

روز دوشنبه ۱۵ اردیبهشت، کارگران شهرداری بهبهان برای اعتراض به عدم پرداخت دو ماه ونیم دست به تجمع مقابل ساختمان شورای این شهردارستان خوزستان زدند.



این کارگران به خبرنگار رسانه ای گفتند: اردیبهشت ماه از نیمه گذشت و ما هنوز حقوق اسفند ماه سال گذشته خود را دریافت نکرده ایم.

آنها افزودند: وعده داده بودند که حقوق اسفند ماه را اواسط ماه واریز کنند اما هنوز هیچ پرداختی انجام نشده است.

***اعتراضات کشاورزان استان اردبیل نسبت به عدم پرداخت بدهی وزارت جهاد کشاورزی از بابت تحویل محصول کشاورزی و و عدم تأمین بذر و کود و نهاده های دیگر همزمان با سفروزیر جهاد کشاورزی با تجمع در مسیرش**

روز پنج شنبه 18 اردیبهشت همزمان با سفروزی جهاد کشاورزی، کشاورزان استان اردبیل برای انعکاس هرچه بیشتر صدای اعتراضشان نسبت به عدم پرداخت بدهی وزارت جهاد کشاورزی از بابت تحویل محصول کشاورزی و و عدم تأمین بذر و کود و نهاده‌های دیگردست به تجمع در مسیرش در نقاط مختلف زدند و با برافراشتن پلاکاردها و ایراد نقطه نظراتشان خواهان پاسخگویی شدند.

تعدادی از اهالی شهرستان پارس‌آباد با حضور در مسیر حرکت وزیر جهاد کشاورزی در حالی که با عصبانیت موضوع بدهی وزارت جهاد کشاورزی را به تولیدکنندگان مطرح می‌کردند، از وزیر خواستند تا هر چه سریعتر مشکلات آنها را برطرف کند.

یکی از این معترضان که پلاکاردی نیز در دست داشت، خطاب به وزیر جهاد کشاورزی اعلام کرد که کشاورزان در حال نابودی هستند و چرا باید سه سال برای دریافت بدهی خود در انتظار قرار گیرند تا وزارت جهاد کشاورزی در این شرایط پایین آمدن ارزش پول، قادر نباشد 10 میلیارد تومان بدهی آنها را پرداخت کند.

یکی از بذرکاران که به شدت عصبانی بود و به وضعیت فلاکت بار خود اشاره می‌کرد، در حالی که به شدت فریاد می‌کشید از وزیر جهاد کشاورزی و بهارستان نشین پارس‌آباد، بیله‌سوار و اصلاندوز درخواست می‌کرد تا سریعترین زمان بدهی او را پرداخت کنند وگر نه خود را آتش زده و به خاطر بی‌اهمیتی وزارت جهاد کشاورزی در جلوی اداره جهاد کشاورزی پارس‌آباد دست به تحصن خواهد زد.

تعدادی از کشاورزان کلزاکار و گندمکار مغان نیز به صراحت اعلام کردند که امسال قصد فروش محصول خود را به صورت تضمینی به تعاون روستایی و اداره غله ندارند چرا که با تأخیر چهار تا پنج ماهه به صورت اقساطی مبالغ آنها پرداخت می‌شود که در این شرایط تورمی این نحوه پرداخت مشکلی را از زندگی و معیشت آنها باز نمی‌کند.

***ادامه اعتراضات به قطعی مکرر برق با تجمع جمعی از اهالی زابل مقابل اداره برق**

فیلم وگزارش منتشره در شبکه های اجتماعی،از ادامه اعتراضات به قطعی مکرر برق با تجمع روز پنج شنبه 18 اردیبهشت، جمعی از اهالی زابل مقابل اداره برق این شهرستان دراستان سیستان وبلوچستان خبر می دهد.

***تجمع اعتراضی مال باختگان شرکت یزد کیش اردکان و میبد مقابل فرمانداری اردکان**

فیلم منتشره در شبکه های اجتماعی،از تجمع اعتراضی روز چهارشنبه 17 اردیبهشت، مال باختگان شرکت یزد کیش اردکان و میبد مقابل فرمانداری اردکان،خبر می دهد.

***بیانیه جمعی از کارکنان شرکت بهره برداری مترو تهران در محکومیت بازداشت همکاران و تأکید بر استمرار مسیر قانونی مطالبه‌گری**



به فرخندگی آزادی تان
جشن می گیریم
راهبران خط پنج

ما جمعی از کارکنان شرکت بهره برداری مترو تهران ، ضمن محکومیت مجدد رفتارهای مغایر با کرامت انسانی در بازداشت همکاران شریف و زحمتکشمان، جناب آقای اصغر چوپانی، آقای هادی خوشبخت و چند تن دیگر از همکاران توسط نیروهای وابسته به وزارت اطلاعات، مراتب اعتراض شدید خود را نسبت به این اقدام اعلام می‌داریم. همچنین آزادی این دو انسان شریف، آزاده و متعهد را به تمامی همکاران و جامعه‌ی کارگری تبریک گفته و آن را نتیجه‌ای از مقاومت، همبستگی و پیگیری جمعی می‌دانیم.

بدین‌وسیله به آگاهی می‌رسانیم که هیچ‌گونه تهدید، فشار یا اقدام بازدارنده‌ای، نخواهد توانست اراده‌ی ما را در مسیر احقاق حقوق قانونی و مطالبات برحقمان سست نماید. سکوت در برابر فساد، تبعیض و انعقاد قراردادهایی که به‌صورت مستقیم بر وضعیت معیشتی و امنیت شغلی ما اثرگذار است، نه‌تنها جایز نیست، بلکه خلاف مصالح صنفی و اصول انسانی ماست.

ما همواره تلاش داشته‌ایم در مسیر پیگیری حقوق و مطالباتمان، بر اساس گفتگو، تعامل و مراجعه به مجاری قانونی و اداری حرکت کنیم و این رویکرد را همچنان ادامه خواهیم داد. با این حال، به صراحت اعلام می‌داریم که در برابر ظلم، تبعیض و تحمیل تصمیماتی که منجر به تضییع حقوق کارگران گردد، تسلیم نخواهیم شد.

اعتراض مدنی، مسالمت‌آمیز و مسئولانه، حق مسلم و قانونی ماست. چنانچه راه‌های رسمی و اداری پاسخگوی خواسته‌های مشروع ما نباشد، بنا بر تشخیص جمعی و با در نظر گرفتن مصالح صنفی، از دیگر روش‌های قانونی و مدنی برای بیان مطالبات خود بهره خواهیم گرفت.

مطالبات کارگران، خواسته‌هایی صنفی، انسانی و عادلانه است و سرکوب و تهدید، نه تنها گرهی از مشکلات نخواهد گشود، بلکه بر شکاف‌های موجود خواهد افزود. ما همبستگی خود را با تمامی همکارانمان اعلام داشته و از تمامی نهادها، تشکل‌ها و افراد آزادی‌خواه می‌خواهیم در کنار صدای کارگران بایستند.

***بیانیه در اعتراض به بازداشت معلمان در تجمع ۱۱ اردیبهشت و انکار آن توسط سخنگوی دولت**

بار دیگر، واقعیت با روایت رسمی، زمین تا آسمان تفاوت دارد. در روز ۱۱ اردیبهشت و در آستانه‌ی هفته‌ی معلم، چهار نفر از معلمان شریف و دغدغه‌مند این سرزمین به نام‌های:

#ولی_میرزاسیدی

#احمد_حیدری_نصرت

#حسین_عبادیان

#مهدی_فراحتی‌شاندیز

در حالی که قصد داشتند به صورت مسالمت‌آمیز در مقابل اداره‌ی کل آموزش و پرورش تهران اجتماع کنند تا بار دیگر خواسته‌های صنفی و معیشتی خود را مطرح نمایند، توسط نیروهای امنیتی بازداشت شدند.

اکنون هفت روز است که این عزیزان در بازداشت بهسر می‌برند، بی‌آنکه خانواده‌ها از وضعیت دقیق‌شان اطلاع داشته باشند و بی‌آنکه جرمی مرتکب شده باشند.

در چنین شرایطی، سخنگوی دولت، خانم مهاجرانی، در موضعی شگفت‌آور، اعلام می‌کند: کسی بازداشت نشده است !!!!

آیا حقیقت را نمی‌دانند یا می‌دانند و آگاهانه آن را انکار می‌کنند؟

آیا رنج خانواده‌هایی که در این هفت روز در بی‌خبری و اضطراب بهسر می‌برند، به چشم نمی‌آید؟

آیا صدای دادخواهی ما معلمان، که جز معیشت، منزلت و امنیت شغلی برای خود، و آموزش رایگان و استاندارد برای فرزندانمان چیزی نمی‌خواهیم برای‌شان شنیدنی نیست؟

تلاش برای بی‌اهمیت جلوه‌دادن این تجمع و انکار واقعیت بازداشت‌ها، در حالی که شخص سخنگو نیز اذعان دارد که این حرکت جنبه امنیتی نداشته، نه تنها نمک‌پاشیدن بر زخمی است عمیق، بلکه نشانه‌ای روشن از سیاست‌های سرکوب‌گرانه‌ای است که به جای پاسخگویی و تعامل، راه تکیب، تحریف و تهدید را در پیش گرفته است.

ما این موضع رسمی را توهین به شعور افکار عمومی و بی‌حرمتی به جامعه‌ی فرهنگیان می‌دانیم.

ما خواهان آزادی فوری و بی‌قید و شرط همکاران بازداشت شده‌مان هستیم و هشدار می‌دهیم که تداوم چنین برخوردهایی، تنها بر آتش خشم صنفی و اجتماعی خواهد افزود.

ما کانون‌های صنفی، نهادهای مدنی و همه‌ی معلمان آزاده را فرا می‌خوانیم تا با روشنگری، اتحاد، پیگیری و فشارهای قانونی، اجازه ندهند اینگونه مظلومیت‌ها در سکوت و انکاری ظالمانه دفن شود.

آزادی معلمان بازداشت‌شده، خواست فوری ماست.

کانون صنفی معلمان ایران (تهران) ۱۸/۲/۱۴۰۴

***بیانیه انجمن صنفی معلمان کوردستان در مورد تودیع و معارفه‌ی مدیرکل آموزش و پرورش کوردستان**

روز پنج‌شنبه ۲۸/۱/۱۴۰۴ پس از حدود ۳ سال، دوران ریاست "هاشم ناظمی‌جلال" بر آموزش و پرورش کوردستان به سر رسید و این مسئولیت به "سید فواد حسینی" سپرده شد. انجمن صنفی معلمان کوردستان به عنوان یک نهاد مستقل مدنی که پایش و نظارت بر عملکرد آموزش و پرورش را بخش مهمی از رسالت خود می‌داند در دو بخش، هم‌گریزی به وضعیت آپ در این ۳ سال می‌زند و هم دغدغه‌ها و انتظارات خود برای آینده را مطرح می‌کند:

الف- به گواهی معلمان، اولیاء، دانش‌آموزان، رسانه‌ها، افکار عمومی و حتی مسئولان استانی و کشوری، دوران مدیریت ناظمی‌جلال یکی از شوم‌ترین و سیاه‌ترین دوره‌های تاریخ آموزش و پرورش کوردستان بود. البته این سیه‌روزی و درماندگی آپ تنها به حضور شخص ایشان بر نمی‌گردد بلکه او با همراهی مجموعه‌ای که دور خود جمع کرده بود این حجم از افتضاح را به بار آوردند، افرادی که بدون هیچ‌سختی با علم، آموزش و فرهنگ، در تمام تصمیمات دستگاه تعلیم و تربیت حضور داشتند و به مانند یک تیم خرابکار، تمامی سرمایه‌های اجتماعی آموزش و پرورش اعم از دستاوردها، اعتمادها، ارتباطات، ساختارها و هر آنچه را در نتیجه دهه‌ها مطالعه، همدلی، هم‌فهمی، ممارست و ریاضت جامعه فرهنگی و دانش‌آموزی استان به دست آمده بود تخریب کردند و به باد دادند. رویکرد امنیتی آنها چنان پررنگ بود و بر سایر حوزه‌ها چربش داشت که ناظمی‌جلال در روز تودیع خود، جز چند شاخص حوزه پرورشی، آمار و دستاور چندان برای ارائه نداشت. او به محض شروع به کار، در ادارات آپ را به روی معلمان معترض بست و آنها را روانه خیابان کرد به نحوی که در ۲ تجمع از ۶ تجمعی که در دوران مدیریتش برگزار شد معلمان جلو ادارات باتوم خوردند و ناظمی‌جلال و تیمش از پنجره‌ها و دوربینها تماشاچی اوضاع بودند. در این ۳ سال حدود ۷۰۰ نفر از معلمان به خاطر شرکت در تحصن غیبت خوردند و کسر حقوق شدند، برای حدود ۱۰۰۰ نفر از معلمان استان در هیئت تخلفات پرونده‌سازی شد و احکامی نظیر اخراج، تبعید و... صادر شد، با تشکیل کمیته‌ی نحس فوریت‌های آموزش و پرورش در پاییز ۱۴۰۱ حق رتبه‌بندی ۴۷ نفر از فعالان صنفی کوردستان قطع گردید، صدها مدیر و معاون شجاع و مردمی در مدارس برکنار شدند، فضای سرکوب و خفقان بر مدارس حاکم شد، بسیاری از معلمان خوش‌فکر و باانگیزه از مدارس خاص حذف شدند، پای نظامیان و لباس شخصی‌ها به مدارس باز (بازتر) شد، دختران معصوم در مدارس مورد حمله شیمیایی قرار گرفتند، تعاونی‌های مصرف فرهنگیان سقز و مریوان علیرغم عملکرد درخشان به بهانه دنبال کردن خطمشی‌های انجمن صنفی تحت فشار قرار گرفتند و ... در حوزه آموزشی هم شاهد آمار بالای ترک تحصیل بودیم، میانگین معدل دانش‌آموزان به ۰۶/۹ رسید، تصحیح اوراق امتحانی به بحرانی در آپ کوردستان تبدیل شد، آمار قبولی دانشگاه و رتبه‌های برتر کشوری افت شدید کرد و...

مثلت شوم ناظمی جلال، صحرایی و قائمپناه در زمستان ۱۴۰۱ با صدور بخشنامه‌ای بی‌اساس، انجمن صنفی معلمان کوردستان را غیرقانونی اعلام کردند تا هم از توان و تاثیرگذاری آن بکاهند و هم از هراس و وحشت خود از نام انجمن! اما اکنون انجمن صنفی معلمان کوردستان از هر زمانی منسجم‌تر و مصمم‌تر است و آنها در حسرت آرزوی بربادرفته، به خود می‌پیچند. این افراد هیچ باوری به نهاد مدنی، کار صنفی و فعالیت‌های خودجوش نداشتند و وقیحانه‌ترین رفتارها را با انجمن و فعالان صنفی داشتند. اما ما یقین داریم روزی که فرزندان و نوه‌های آنها از دستاوردهای انجمن و سایر نهادهای مردمی بهره‌مند شدند و برکات مبارزه و مطالبه‌گری صنفی و مدنی را به چشم خود دیدند، به خاطر قساوت و بلاهت پدران‌شان، آنها را شمتات خواهند کرد و از وجودشان خجل و شرمگین خواهند شد.

ب- بدون شک تغییر در مدیریت آپ کوردستان به امری حیاتی تبدیل شده و برداشتن نگاه امنیتی و افراد امنیتی از آپ مایه شادمانی و امیدواری‌ست. اما در خصوص بخش دوم قضیه یعنی انتصاب مدیرکل جدید، گرچه شناخت نسبی از شخصیت و عملکرد قبلی ایشان داریم، فعلا هیچ قضاوتی نمی‌کنیم فقط امیدواریم و انتظار داریم ایشان برای حل مشکلات عدیده و چالش‌های آپ ایده و برنامه داشته باشد و بتواند اقدامات و تغییرات محسوس در ساختار و عملکرد آپ انجام دهد. رسوخ کردن نگاه امنیتی و روح سرکوب به تمام ارکان آپ و در و دیوار مدارس، حضور نیروهای ناکارآمد و ناسالم در پست‌های حساس اداری و مدیریت برخی از مدارس، کمبود شدید معلم توانمند، مشاور، سرایدار و...، آمار بالای ترک تحصیل (به ویژه دختران روستایی و مناطق محروم)، افت شدید تحصیلی دانش‌آموزان استان، تعطیلی دوره‌های بازآموزی ضمن خدمت معلمان، رشد سرسام‌آور آسیب‌های اجتماعی در مدارس نظیر خودکشی، ناامیدی، افسردگی، اعتیاد، خشونت، فرار و...، اوضاع نابسامان و عملکرد عمدتاً ناسالم تعاونی‌های مسکن و مصرف و فرهنگیان، بیمه تکمیلی ناکارآمد، آمار بالای مدارس فرسوده و تخریبی و... تنها بخشی از چالش‌ها و مشکلات پیش‌روی مدیریت جدید است.

انجمن صنفی معلمان کوردستان ضمن نارضایتی و انزجار شدید از وضعیت قبلی، از هر نوع تغییر مثبت و تصمیماتی که به بهبود حال و روز آموزش و پرورش استان کمک کند استقبال کرده و در این راستا آمادگی خود را برای هرگونه گفتگو، همکاری و مشورتی که در راستای منفعت و مصلحت دانش‌آموزان، معلمان و مردم کوردستان و اعتلای آموزش و پرورش باشد اعلام می‌نماید. همزمان این انجمن بنا به رسالت و دیسیپلین تشکیلاتی خود، با حساسیت و وسواس فراوان رویکردها، اتفاقات و تصمیمات آموزش و پرورش را زیر نظر دارد و در برابر ناکارآمدی‌ها و کژکاری‌ها سکوت نخواهد کرد.

ما بر این باوریم در وضعیت کنونی آنچه بیش از همه اهمیت دارد برداشتن دیوار عداوت و بی‌اعتمادی‌ست. تا زمانی که یک آشتی فراگیر اتفاق نیفتد و جامعه‌ی معلمی و دانش‌آموزی و مردم کوردستان به آموزش و پرورش اعتماد نکنند هیچ پروژه نرم‌افزاری و سخت‌افزاری با موفقیت به انجام نخواهد رسید. کلید حل مسئله هم، زدودن نگاه امنیتی از مدرسه است به نحوی که همه معلمان و دانش‌آموزان استان از اتهامات سیاسی و امنیتی تبرئه شوند و همه احکام ناروای صادر شده برای معلمان استان لغو گردد.

انجمن صنفی معلمان کوردستان (سقز و زیویه، مریوان و سروآباد، سنندج)

۱۷ اردیبهشت ۱۴۰۴

***اصغر امیرزادگان بدون هیچ دلیل قانونی و موجهی در زندان به سر می برد**

#اصغر_امیرزادگان عضو هیئت مدیره انجمن صنفی معلمان فارس که از تاریخ ۲۳ فروردین ماه ۱۴۰۴ بدون دلیل موجه در حالی که پرونده ایشان پس از حکم بدوی دادگاه انقلاب #فیروزآباد و اعتراض آقای امیرزادگان، در دادگاه تجدید نظر در حال بررسی است و حکم ایشان قطعی نشده، در زندان فیروز آباد به سر می برد .

بخاطر شرایط جسمانی و نامه و پرونده پزشکی که ایشان شرایط تحمل حبس را ندارند، قرار شد به طور موقت آزاد شود .

ولی دادستان #فیروزآباد به بهانه های مختلف مانع آزادی ایشان می شود، ابتدا یک کفیل، بعد از چند روز دو کفیل و بعد از آن شرط آزادی ایشان را کفالت ۳ نفر دانستند .

پس از تلاش خانواده و حاضر شدن سه تن از فرهنگیان، نامه آزادی ایشان صادر می شود ولی باز هم دادستان بهانه جدید می آورد که او یک پرونده دیگر نیز دارد و مانع آزادی ایشان می شود .

کدام پرونده؟

آیا می شود دادستان از پرونده یک زندانی خبر نداشته باشد و پس از صدور حکم آزادی به یاد آورد که پرونده دیگری هم دارد؟

آیا متهم نباید از کم و کیف پرونده های خود مطلع باشد که بتواند اقدامی قانونی انجام دهد؟

چرا با روح و روان خانواده زندانی بازی می شود ؟

مگر نه این است که شما مجریان قانون باید مطابق با قانون انجام وظیفه نمائید ؟

انجمن صنفی معلمان فارس صریحا از مراجع قانونی می خواهد که اصغر امیرزادگان معلم زندانی را آزاد و از او دلجویی و رفع اتهام گردد.

#جای_معلم_زندان_نیست

برگرفته از کانال انجمن صنفی معلمان فارس

***احضار مجدد امجد گریاخیز، فعال کارگری و مخالف اعدام، به دادگاه انقلاب سنندج**

امجد گریاخیز، فعال کارگری سرشناس و از مخالفان مجازات اعدام، بار دیگر به دادگاه انقلاب سنندج احضار شده است .

بر اساس ابلاغیه رسمی که به دست این فعال کارگری رسیده، وی باید در تاریخ ۲۳ اردیبهشت ۱۴۰۴ برای پاسخگویی به اتهامات مطروحه در این دادگاه حاضر شود.

برگرفته از کانال کمیته پیگیری ایجاد تشکل های کارگری ایران

*کانون نویسندگان ایران: برگی از تاریخ

ماجرای امنیتی ویت کنگ های کافه نشین و کانون نویسندگان ایران

سال های دهه ی شصت خورشیدی مردم ما، افزون بر جنگ، شاهد سرکوب احزاب و سازمان های سیاسی، اتحادیه های صنفی و سندیکا های مستقل، زندان و شکنجه و اعدام دگراندیشان و مخالفان نظام نواخته ی اسلامی بودند. کانون نویسندگان ایران نیز از این سرکوب وحشیانه در امان نماند و در سال ۱۳۶۰ به تعطیل کشانده شد. از آن پس چند سالی گردهم آیی کانونیان پراکنده و مناسبی بود یا در جمع های کوچک خصوصی مانند سه شنبه های ادبی که در خانه ها برگزار می شد. در سال های پایانی این دهه بود که کوشش هایی برای حرکت جمعی صورت گرفت، از آن جمله برنامه ریزی (البته ناموفق) برای بزرگداشت نیما در دی ماه ۱۳۶۷ و انتشار «گزارش اهل قلم» در اعتراض به بنیست ها و تنگناهای سانسور و ممنوعیت های فرهنگی و مشکلات چاپ و نشر. اما نخستین حرکت موفق را قصد امداد رسانی به قربانیان زلزله ی رودبار در سال ۱۳۶۹ جرقه زد که نزدیک به سی تن از شاعران و نویسندگان را گرد آورد تا، در کنار تدارک برای امداد رسانی، برای مشکلات صنفی اهل قلم نیز چاره جویی کنند.

پس از مطالبی که در انگشت شمار مطبوعات ادبی و روشنفکری آن زمان به چاپ رسید، زمزمه هایی مبنی بر روشن کردن دوباره ی چراغ کانون شنیده شد. فاجعه ی زلزله ی رودبار در واقع نقطه ی عزیمت مهمی بود از جمع های پراکنده و گاه به گاه نویسندگان تا رسیدن به تشکیل منظم «جمع مشورتی». در آن دوره که امکان برگزاری مجمع عمومی کانون وجود نداشت تا نویسندگان هیئت دبیران خود را در انتخابات برگزینند، از سرگیری مبارزه ی جمعی با سانسور برای نویسندگان آزادی خواه ناوابسته به قدرت ضرورتی انکارناپذیر بود. به این ترتیب آن جلسات غیررسمی و خصوصی روزهای سه شنبه شکلی منظم و رسمی یافت و به قوی به پیشنهاد محمد مختاری و به قوی دیگر به پیشنهاد محمدعلی سپانلو «جمع مشورتی» نام گرفت؛ جمعی که در دوره های اول و دوم فعالیت کانون نویسندگان ایران وجود نداشت.

به گوش رسیدن صدای مستقل اعضای کانون نویسندگان ایران چنان وحشت و دشمنی کارگزاران فرهنگی دستگاه سانسور را برانگیخت که مطبوعات را برای حمله ای گسترده به اعضای کانون بسیج کردند. روزنامه ی کیهان سرسلسله ی مزدوران سانسور بود و کلام بی محابای حمله کنندگان همه تهمت و تخریب و تخطئه؛ مشهورترین شان مقاله ی «ویت کنگ های کافه نشین و کانون نویسندگان» در روزنامه کیهان به تاریخ ۱۵ اردیبهشت ۱۳۷۰ که با دروغ پراکنی های بی شرمانه، ادعاهای خلاف واقع و اتهاماتی بی اساس به کانون نویسندگان ایران و اعضای آن می تاخت. کیهان که مصداق عینی ضدیت با آزادی بیان و اندیشه بود برخلاف قانون مطبوعات پاسخ اعضای تهمت خورده را جز در یک مورد به چاپ نرساند. بنابراین رضا براهنی، هوشنگ گلشیری، سیمین بهبهانی و جواد مجابی به نمایندگی از نویسندگان و شاعران تهمت خورده با ارسال نامه ای به دادگستری شکایت بردند و کیهان و مدیرمسئول آن مهدی نصیری معروف را به نشر اکاذیب، افترا و هتک حرمت متهم کردند و خواستار برخورد قانونی با عاملان شدند. قوه ی قضاییه ی حکومت اسلامی، چنان که انتظار می رفت، به شکایت

مطرح شده واکنشی نشان نداد و کیهان نیز در مطلبی وقیحانه نامه‌ی نویسندگان را نشانه‌ی «وحشت روشنفکران از امت حزب‌الله» دانست.

البته کار در نهایت مطابق خواست مزدوران سانسور پیش نرفت. جمع مشورتی متن «ما نویسنده‌ایم» را با ۱۳۴ امضا منتشر کرد، بحث و گفت‌وگو درباره‌ی مرام‌نامه (منشور) را به سرانجام رساند و کانون نویسندگان ایران، به‌رغم فضای آکنده از وحشت و ترور، دوره‌ی سوم فعالیت خود را آغاز کرد. اما مقاله‌ی کیهان و مجادلات پس از آن را می‌توان آغازگر برنامه‌ای مدّون برای حذف فیزیکی منتقدان سیاسی دانست و مقدمه‌ای برای بسیاری از احضارها، تهدیدها، بگیر و ببندها، پرونده‌سازی‌ها و بازداشت‌ها در میانه دهه‌ی هفتاد که سرانجام به ناپدیدسازی و قتل شماری از نویسندگان مستقل، دگراندیشان سیاسی و اعضای کانون نویسندگان ایران انجامید. سعیدی سیرجانی، احمد میرعلایی، غفار حسینی، احمد تفضلی، پیروز دوانی، حمید حاجی‌زاده و فرزند خردسالش کارون، ابراهیم زال‌زاده، مجید شریف، داریوش فروهر، پروانه‌ی اسکندری، محمدجعفر پوینده و محمد مختاری از جمله‌ی این قربانیان بودند.

***جان باختن یک کارگر در معدن سنگ لاشترزیر سنگ پنج تنی**

روز چهارشنبه ۱۷ اردیبهشت، یک کارگر ۳۵ ساله تبعه افغانستان حین کار در معدن سنگ لاشتر شهرستان مبارکه، استان اصفهان بر اثر سقوط یک سنگ پنج تنی با ابعاد ۲۰۰ در ۵۰ سانتیمتری و اصابت به وی در دم جان باخت.

akhbarkargari2468@gmail.com